

تربیت کودکان در سنین پیش از مدرسه



خصوصیات اخلاقی انسان در سنین پیش از مدرسه رفتن پی ریزی می شود. خصوصا اولین سالهای زندگی خانواده روی کودک تاثیر بسزائی دارد - زیرا پدر و مادر تقریبا تنها مربی او هستند، به ویژه اگر کودک به کودکان بیرون نرود.

چه خصوصیاتی است و به هنگام تربیت کودک حتما این خصوصیات را در نظر گیرند. مناسبانه بارها اتفاق می افتد که پدر و مادران از بچه کوچولو انتظاراتی دارند که برای آن سنین کودکان طاقت فرساست.

رضای پنج ساله و مادر و خواهر بزرگش آماده رفتن به مهمانی پیش عموی مهربانشان آقایوسف

بنابراین خیلی مهم است که پدر و مادر خوب بدانند که کودک کودکانی آنها دارای

چرا رفت؟ توضیح ساده است. تأثیرات شدید کودک را فراگرفت و او قولش را فراموش کرد.

پدران و مادران گاهی به عمل آگاهانه استعداد کودک کودکستانی ارزش زیادی قائل می شوند. و ضمناً باید بخاطر داشت که هنوز شعور کودک به صورت ناقصی رفتار او را زیر نفوذش دارد. کودکان کودکستانی خیلی تأثیر پذیرند، نگهدارنده اند، مراکز ترمزی سیستم عصبی آنها رشد ضعیفی کرده است، دقت که مربوط به نیروی اراده است، در آنها ناپایدار است.

محیط قبل از هر چیز روی احساس بچه های کوچولو تأثیر می گذارد، و سپس بر روی عقل آنها. این نا اندازه زیادی مربوط به کودکان قبل از چهار - پنج ساله است، اما بسرای کودکان بزرگتر کودکستانی از خصوصیات آنها است.

در این سرگذشت مادر رضا با وی بدون در نظر گرفتن خصوصیات سنی پسرش سختگیری فوق العاده کرده است.

بزرگترها با دانستن این خصوصیات سنی کودک کودکستانی، یعنی تأثیر پذیری، ناپایداری دقت، می توانند به نتایج تربیتی لازم با بکار بردن مفیدترین اسلوب آموزشی نایل گردند.

مثلاً کودکی پر جوش و خروش است، هر کار که دلش می خواهد، می کند، و هیچ عقیده ای و حتی دستوری فایده ندارد در این جا ممکن است از روش انحراف توجه استفاده کرد، "پدر به پسر چهار ساله اش می گوید از پنجره بیرون را نگاه کن، ببین چطوری خروس از زمین دانه بر می دارد، مرغ را صدا می زند. او مرغها را چطوری می زند". بچه بخندی می زند، و شروع به تقلید از صدای مرغ می کند. او حالا دیگر

شدند. ملاقات عمو همیشه کلی بچه هارا خوشحال می کرد، زیرا آنها بدون پدر تربیت می شدند. مادر به پسرش دستور داد که دم در منتظر شود و جایی نرود. رضا قول داد که دستور مادر را اطاعت کند اما وقتی مادر از درب ورودی خارج شد بچه را دم در دید و صدا زد - رضا جواب نداد. مادر عصبانی شد.

- پسرۀ بی تربیت! لابد، دوباره با بچه ها به حیاط همسایه رفته است.

همینطور هم بود! او ایستاده بود و به دوتا پسر بچه که دوتا مار کاغذی بزرگی را به هوا پرت می کردند تماشا می کرد.

مادر تصمیم گرفت که به علت عدم اطاعت پسرش را تنبیه کند، بنابراین او را گذاشت و رفت، و از مادر بزرگ خواهش کرد که مواظب بچه باشد.

وقتی رضا دانست که ماما رفته است، به شدت گریست - او در حالیکه اشک می ریخت گفت:

- من می خواهم پیش عمویوسف بروم منم می خواهم

مادر بزرگ سرزنش کنان گفت

- تو چرا رفته بودی، احمق؟

اما رضا نتوانست توضیحی بدهد، فقط می گریست.

مدتی آرام نگرفت، حتی شب هم خیلی بد خوابید. "مادرش تعریف می کرد - از آن موقع تاکنون - هر چند هفت سال می گذرد، پسر من این واقعه را فراموش نکرده است و من وقتی بیاد می آورم که چقدر بیهوده بچه را مجازات کردم واقعا دلم می سوزد."

اما، رضا چرا به حرف مادرش گوش نکرد؟

آرام شده است، و می توان متقاعدش کرد که
چطور باید رفتار بکند .
این گونه روشهای ساده در مورد کودکان دونا
چهارساله کاملا قابل استعمال است . اما "گول
زدن" کودکان بزرگتر از کودکان اینقدرها مهم
ساده نیست . در این جا جلب توجه کودک به
موضوعی دیگر ، باید خصوصیت دیگری داشته
باشد .

کار جالبی را بیاد کودک بیاورید که او قصد
انجام آنرا دارد، چیزی را شروع به تعریف
کنید تا توجه او بدان جلب گردد . این پس از
گذشت مدت زمانی امکان خواهد داد روی
احساسات و فهم کودک نفوذ کرده و توضیح
دهند که رفتارش نادرست بوده است . بدین
ترتیب خواهیم توانست از هیجانات غیر لازم
بزرگترها و کودکان دوری جسته و از سیستم
عصبی استحکام نیافته بچه ها مواظبت کنیم .
روش تربیت کودکان در سنین مختلف
اهمیت خیلی زیادی دارد . در کودکان
کودکستانی اسلوب تربیت تاثیر فوق العاده
زیادی دارد زیرا این کودکان هنوز تجربه و
اطلاعات کافی زندگی را ندارند و رفتار
بزرگترها را بعینه اخذ می کنند . تلقین پذیری
از خصوصیات کودکان است . سخن محکم و
متین بزرگترها یا رفتار آنان اغلب در کودکان
چنان تاثیر می گذارد که
آنها هم شروع به احساس و تفکر و کار به شیوه
مناسب می نمایند . زیرا بی اختیار گاهی رفتار
گفتگو و روابط متقابل شخص با دیگران روی
کودکان تاثیر خیلی زیادی می گذارد .

اینها برای تربیت موفقیت آمیز ضروری هستند .
اما باید گفت که نقش نمونه هر قدر هم بزرگ
باشد ، تربیت کودک تنها با یک نمونه ممکن
نیست . فقط در فعالیت های عملی مستقل است
که در کودکان عادات و نکات مفید ، احساسات
خوب تکوین می یابند و سر انجام خصوصیات
عصبی و سیمای اخلاقی شکل می گیرد .
بزرگترها اغلب از حرف نشنوی کودکان
کوچک شکایت دارند . چرا اینطور می شود؟
بسیاری از پدر و مادران بیهوده کودکان را لوس
می کنند ، تمام هوسهای او را برآورده می کنند و
نمی توانند در مقابل خواسته های آنها استقامت
کنند و بدینوسیله خود را تسلی می دهند .
" بزرگ می شود - سر عقل می آید ، حرف
شنو می شود " ، و نمی دانند که در کودکان
با اصطلاح " عادت حرف نشنوی " تکوین
می یابد .



این یکی از نمونه‌های تربیت غلط است. کریم تنها پسر خانواده بود. او را زیاد دوست داشتند، هرکس بمیل خود لوسش می کرد. خصوصا مادر بزرگ و پدربزرگ زیاد میدان می دادند و می گفتند - " بگذار نوه مان بیهوده جواب رد نشود، حالا آن زمانها نیست که ما زندگی می کردیم " کریم بهر بهانه ای شروع به گریستن و فریاد زدن می کرد و معمولا آنچه که می خواست بدست می آورد. تقریبا از همان ایام تولد اینطور عادت کرده بود. کریم عادت کرده بود که شمع محفل باشد، اولج باز بود، به حرف هیچ کس گوش نمی کرد، نمی توانست هیچ کاری انجام دهد. بزرگترها در اندیشه فرو می رفتند که - حالا که شش سالش است، این طور رفتار می کند وقتی بزرگ شد چه خواهیم کرد؟ ظاهرا بهیچ وسیله ممکن نبود او را تربیت نمود. پدر و مادر او تصمیم گرفتند با مربی کودکان که آشنایشان بود مصلحت اندیشی کنند، باهمسایه آپارتمانشان که سه تا کودک با انضباط داشتند گفتگو کردند، برایشان روشن شد که تربیت پسرشان را باید از ریشه تغییر دهند.

همه بزرگترها - پدر، مادر، مادربزرگ و پدربزرگ - موافقت کردند که تمام اعمالشان هم آهنگ باشد و سپس بچه را صدا کردند و گفتند:

- حالا تو دیگر شش سالت است، و تو نباید رفتارت مثل بچه کوچولو باشد - کار نمیکنی، بحرف گوش نمیدهی، خودت را لوس می کنی، سعی کن بچه خوبی بشوی.

پدر و مادر کریم چون سفارش های مربی را شنیدند فهمیدند که نباید یک مرتبه وظایف زیادی را روی دوش کودک گذاشت، در عین

حال انتظارات زیادی را از وی توقع داشت، در برابر پسرشان دو موضوع اصلی را قرار دادند - اولاً باید سریع و درست لباس پوشیدن را یاد بگیرد، ثانیاً، بمحض اینکه مادر بزرگ او را صدا زد فوراً برود. مسلم است که بقیه مسائل تربیتی فسخ نشده اما به این دو موقتا توجه خاصی کردند.

بدین ترتیب بزرگترها همگی جدی حرف می زدند، بدین جهت گفتگو در او تأثیر می گذاشت.

عادات بد، شدیداً در کودک تکوین یافته بود و بهمین جهت نیرو، تحمل و نزاکت زیادی لازم داشت - در صورتی که اگر از اول به تربیت او همت گماشته بودند این همه ناراحتی مسورد پیدا نمی کرد.

شی پدر بزرگ برای کریم کتاب قصه می خواند. پدربزرگ نگاهی به ساعت کرد و گفت:

- حالا باید بروی و بخوابی. بقیه اش را فردا می خوانم.

کریم فریاد زد:

- نه، دنبالش را بخوان، بخوان، بخوان پدربزرگ کتاب را باز کن!

پسر بچه با خشونت قصد گرفتن کتاب از دست پدربزرگش کرد و سرانجام کتاب را پاره کرد.

مادر که ناظر این صحنه بود، خیلی میل داشت پسرش را بگیرد و درست و حسابی کتکش بزند، اما می دانست که این عمل فایده ای ندارد و بهمین جهت خودداری کرد. چون نزدیک پسرش رفت، گفت که رفتارش خیلی بد بود، و از وی خواست که از پدر بزرگ





عذر خواهی کند. هرچند بزحمت ولی موفق شد که کودک را وادار به عذرخواهی کند، سپس به کریم گفت که برگهای پاره کتاب را باید بجسایند و او در این کار بهوی کمک خواهد کرد.

شب بعد پسر و مادر دوستانه کار می کردند مادر وقتی دید که پسرش باجدیت مشغول کار است او را تشویق نمود. کریم برگهای پاره را برداشت و گفت:

— چقدر حیف شد که کتاب را پاره کردم دیگر از این کارها نمی کنم.

معلوم بود که بچه درباره رفتار خود فکر می کرد و می خواست بهتر بشود و می خواست عملاً ثابت کند که خوب شده است.

مدتها گذشت، قبل از اینکه کریم با انضباط و با پشتکار شود، لباس پوشیدن بدون کمک دیگران را آموخت، دکمه ها را مرتب می بست و با ارزشتر از آن اینکه کمی هم برای بزرگترها دلسوزی می کرد.

پدر و مادر کریم به این علت موفق به تربیت فرزندشان شدند که جدا " به این کار اقدام کردند.

عشق واقعی پدر و مادر باید متین و محکم باشد. کوچولوترین بچه ها هم مقتضیات شخصی دارند. رعایت آنها بچه را با انضباط بار می آورد، رفتار او را منظم می کند، و تا اندازه ای می آموزد که به امیال خود تسلط پیدا کند، رفتار خود را درست کند، و این کمک به برقراری روابط صحیح با اطرافیان از قبیل، بزرگترها و همسالان خود می کند. ما همراه با فعالیت کودک، در وی قسدرت خود داری را می پرورانیم.

☆ بقیه از صفحه ۳۸

گاهی بی نظم بودن امتحانات و شیوه انتقال نادرست دانش آموز از کلاسی به کلاس دیگر می تواند عامل موثر در عقب ماندگی درسی دانش آموز شود.

ابتدائی یا سطوح پائین تر آموزشی می شوند که این خود نیز موجب عقب ماندگی درسی خواهد گاهی چگونگی اداره و نظم مدرسه و کلاس با روحیه دانش آموز

در نتیجه کمبود معلم گاهی از اوقات ادارات آموزش و پرورش شد.

مبادرت به انتقال معلمین باسواد و با معلومات به سطوح بالاتر

آموزشی می نمایند و در نتیجه معلمین بی تجربه مجبور به تدریس در کلاسهای مدارس شد.

مدرسه و کلاس با روحیه دانش آموز همساز نیست. این عامل هم موجب عقب ماندگی درسی خواهد

غلامحسین ریاحی